

نگارش دهم

درس دوم: عینک نوشتن

وقتی از پشت عینک به طبیعت نگاه می‌کنیم، طبیعت را با همان رنگی می‌بینیم که رنگ شیشه عینک ماست. اگر رنگ شیشه عینک، زرد باشد، طبیعت زرد و پاییزی جلوه می‌کند. اگر شیشه عینک ما، سبز باشد، رنگ و روی طبیعت سبز و بهاری می‌شود.

منظور از عینک نوشتن، نوع نگاه نویسنده به موضوع است. نوع نگاه ما بستگی به رنگ عینک فکری ما دارد. هر طور که به موضوع نگاه کنیم، نوشته ما به همان شکل در می‌آید. اگر از دریچه محسوسات به موضوع بنگریم، نوشته ای عینی و محسوس تولید می‌شود؛ اما اگر از پنجره ذهنیت و خیال به موضوع نگاه کنیم، نتیجه، خلق نوشته ای ذهنی و خیال انگیز خواهد بود.

پس اصلی ترین علت تفاوت نوشته ها، نوع نگاه نویسنده به موضوع است. حتی نوشته هایی که موضوع مشترک دارند، به سبب تفاوت در نوع نگاه نویسنده به موضع، متفاوت می شوند.

اگر «گل» را پیش روی ما بگذارند، هر کدام از ما ممکن است نگاه متفاوت به آن داشته باشیم:

- یکی، با دیدن گل، یاد گل کاری های باغبان بفتد و تصویری از باغ و بوستان را تصور کند.
- دیگری، تصویری از گلزنان فوتبال را ترسیم کند و هر کدام از آن ها را در حکم باغبان ببیند.
- فرد سوم، گل را دفتری فرض کند که زنبور ها واژه واژه آن را می خوانند و حفظ می کنند.
- و ...

در نوشته های زیر هم همین اتفاق افتاده است. ابتدا نوشته ها را می خوانیم و آن گاه در باره آن ها سخن می گوئیم:

نوشته یک در سال های آغازین دبستان استفاده از مداد توصیه می شود و نه خودکار. مداد برای تمرین خوش خطی مناسب تر است. به دلیل کندی حرکت مداد، لغزش ها هم به حد اقل می رسد تازه لغزش های مدادی قابل پاک شدن و اصلاح هستند.

اگر چه بچه ها، برای به دست گرفتن خودکار بی صبراند و به خیال خودشان، نوشتن با خودکار برایشان لذت بخش است؛ اما بعد ها که رفتند در لیست بدخط ها و به اصطلاح خطشان خرچنگ قورباغه ای شد، تازه متوجه می شویم که این هوس بچه گانه کار دستمان داده است و مجبوریم همه جا با نوشته هایمان بچرخیم و آن را گزارش کنیم.

نوشته ی دو حرف از خودکار می زدیم، خودکار از شان قلم کاست. و دوات را نفی بلد کرد. اما این همه ماجرا نبود. خودکار آفتی شد و به جان مداد افتاد. با خودکار مرثیه مداد نوشته شد. مداد یار دیرینه ما بود، دست کم از زمان «نیکلا ژاک کنته» .

میان خودکار و مداد تفاوت بسیار است. مداد را نرمی بود، خودکار را درشتی. مداد با سپیدی کاغذ الفت می گرفت. خودکار به پاکی کاغذ چیرگی می جوید. آن را شرم و حیا براننده بود و این را پرده دری در خور است. مداد سیاه، سیاهی و سپیدی را در خود داشت. خودکار سیاه را جز سیاهی نیست. مداد اگر به خطا می رفت، امکان محو خطا بود. خودکار اگر بلغزد، لغزش به پایش نوشته است. مداد خودنمایی نمی نمود. خودکار ، خودنمایی می کند و می فریبد.

اتاق آبی

نوشته سه (

عالمی مشغول نوشتن با مداد بود.

کودکی پرسید: چه می نویسی؟

عالم لبخندی زد و گفت: مهم تر از نوشته هایم، مدادی است که با آن می نویسم،

می خواهم وقتی بزرگ شدم مثل این مداد بشوی!

پسرک تعجب کرد! چون چیز خاصی در مداد ندید!

عالم گفت: پنج خصلت در این مداد هست. سعی کن آن ها را بدست آوری.

اول: می توانی کارهای بزرگی کنی، اما فراموش نکنی، دستی وجود دارد که حرکت

تو را هدایت می کند و آن دست خداست!

دوم: گاهی باید از مداد تراش استفاده کنی، این باعث رنج مداد می شود، ولی نوک

آن را تیز می کند. پس بدان، رنجی که می بری از تو انسان بهتری می سازد!

سوم: مداد همیشه اجازه می دهد برای پاک کردن اشتباه از پاک کن استفاده کنی،

پس بدان تصحیح یک کار خطا، اشتباه نیست!

چهارم: چوب مداد در نوشتن مهم نیست، مهم مغز مداد است که درون چوب است،

پس همیشه مراقب درونت باش که چه از آن بیرون می آید!

پنجم: مداد همیشه از خود اثری باقی می گذارد، پس بدان هر کاری در زندگی ات

می کنی، ردی از آن به جا می ماند، پس در انتخاب اعمال دقت کن!

متن ترجمه، منبع؟

نوشته چهار (

همین که مداد را دید، آهی کشید و گفت: «عجب، چه کلاهی! معلوم نیست چه کسی و با چه نیتی این کلاه را بر سرش گذاشته، اما هر چه باشد، بد نیست. همین که زیر آن کلاه مغزی هست، کلاه زیبا تر و با معنا تر می شود.

نیم این کلاه فلزی و نیم آن لاستیکی است. لابد فلز را برای این گذاشتند که پایه مناسبی برای نگه داشتن نیمه لاستیکی باشد و البته سر مداد را به خوبی در حبس و زندان خود نگه دارد. نیمه لاستیکی آن هم شاید برای این است که بتوانند بیشتر در آن باد کنند و سرانجام مداد را بر باد بنشانند.

نوشته اول، بر پایه دیده ها و تجربیات حسی نویسنده، نوشته شده است. در این نوشته، واقعیاتی در باره مداد گفته شده و مزیت های استفاده از مداد بیان شده است. نویسنده این متن، به هیچ وجه از محدوده حواس بیرون نرفته و به فضای ذهن و خیال نزدیک نگشته است.

نوشته دوم، از محدوده حواس کمی فاصله گرفته است و به فضای ذهنی و خیال نزدیک تر شده است. در این نوشته، نویسنده به مداد و خودکار، شان انسانی بخشیده است و اعتقاد دارد، که خودکار مداد را نفی بلد کرده است.

نوشته سوم، نویسنده، از مفهوم عینی و ظاهری مداد، مفهوم دیگری را گرفته و پرورده است که بیشتر جنبه ذهنی و خیالی دارد.

نوشته چهارم، باز هم فضایی ذهنی پیدا کرده است؛ زیرا نویسنده مغز و کلاه مداد را بهانه کرده و فضایی ذهنی خلق نموده است.

بنابر آن چه گفتیم، عینک نوشتن یا عینی است و یا ذهنی. از این نظر، فضای نوشته ها هم تغییر می کند به گونه **نوشته های عینی و نوشته های ذهنی** تقسیم می شوند:

فعالیت های نگارشی :

1. نوشته‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آن‌ها (فضای عینی و فضای ذهنی) را مشخص کنید .

(متن یک)

عینک‌ها انواع مختلفی دارند که من امروز می‌خواهم دربارهٔ چهارتا از انواع مختلف عینک برای شما صحبت بکنم: «عینک آفتابی»، «عینک طبی»، «عینک ایمنی کار»، و «عینک تیراندازی». عینک آفتابی عینکی است که معمولاً شیشه‌هایی به رنگ دودی دارد و شیشه‌های آن برای ممانعت از اشعهٔ مستقیم آفتاب طراحی و ساخته شده‌اند. همین شیشه‌ها هستند که باعث می‌شوند وقتی عینک را بر چشم خود می‌گذاریم نور آفتاب چشم ما را اذیت نکند. ولی طبق بررسی‌های علمی، این شیشه‌ها کاملاً نمی‌توانند جلوی پرتوهای نور را بگیرند. پس بهتر است حتی با عینک آفتابی هم به طور مستقیم به نور خورشید نگاه نکنیم.

گونهٔ دیگر عینک، عینک طبی است. این نوع عینک‌ها را چشم‌ززشکان برای کسانی تجویز می‌کنند که به چشمشان به هردلیلی ضعیف است. شیشهٔ این عینک‌ها بر اساس نمرهٔ چشم تنظیم می‌شود و به طور کلی یا دور بین هستند، یا نزدیک بین. عینک نزدیک بین را افراد دوربین و عینک دوربین را افراد نزدیک بین به چشم می‌گذارند.

عینک ایمنی هم گونهٔ دیگر از عینک‌ها است. همان‌طور که از نام این عینک مشخص است، کار این عینک محافظت از چشم است در برابر خطرات. این عینک‌ها معمولاً برای افرادی که در ساختمان و یا در جاهایی دیگر که امکان رفتن جسمی به چشم آن‌ها و آسیب دیدن چشمشان وجود دارد به کار می‌رود؛ مثلاً کسانی که با **سنگ جت** در ساختمان کاری کنند از این عینک‌ها استفاده می‌شود.

عینک تیراندازی نوع دیگری از عینک است. کسانی که در آموزشگاه‌های تیراندازی آموزش می‌بینند، از این عینک‌ها استفاده می‌کنند. شیشهٔ این عینک‌ها استحکام خیلی بالایی دارد به طوری که حتی در برابر تیرتفنگ هم ایستادگی می‌کنند و مانع رفتن تیر به درون چشم می‌شوند.

با این حساب، عینک یک وسیلهٔ تشریفاتی یا تزئینی نیست، بلکه عینک وسیله‌ای کاربردی است برای شرایط مختلفی ساخته شده است و برای استفاده‌ی درست از آن‌ها باید درباره‌ی کاربرد آن‌ها اطلاعات جمع‌آوری کنیم.

انشای دانش آموز احمد رضا خواجه زاده، با اندکی تغییر، برگرفته از

<http://moraatnazir.mihanblog.com>

متن دو)

امروز می‌خواهیم درباره‌ی عینکی حرف بزنیم که با عینک های موجود در بازار فرق می‌کند. آن عین، عینک قضاوت است .

اگرچه نباید درباره‌ی دیگران قضاوت کرد؛ اگر جنس عینک ما اگر از وجدان و آگاهی باشد ، شاید قضاوت درست تری داشته باشیم و اگر جنس عینک ما احساسات باشد، درست قضاوت نخواهیم کرد. پس اگر بخواهیم درباره‌ی کسی قضاوت کنیم باید با آگاهی باشد بنابراین نباید بگذاریم احساساتمان و دلمان مانند گرد و غبار بر روی عینک قضاوتمان بنشینند .

پول نیز نوعی دیگر از گرد و غبار هایی است که وقتی روی شیشه‌ی عینک قضاوت ما می‌نشیند، مانع قضاوت درست ما می‌گردد. زیرا پول دوستی در خیلی از جاه ها، عقل و آگاهی و منطق و وجدان را از کار می‌اندازد. چون انسان طماع است و گاهی به خاطر طمع، حقیقت را زیر پا می‌گذارد.

انسان‌ها بهتر است یا اصلاً قضاوت نکنند یا اگر خواست قضاوت کند، ابتدا با دستمال مخصوص، عینک قضاوتش را پاک کنند؛ این دستمال مخصوص همان دستمال وجدان و منطق است . که گرد و غبار احساسات، خودخواهی ها، بی وجدانی ها، پول ها و ... را پاک می‌کند .

انشای دانش آموز رضا رحیمی اردلی، با اندکی تغییر، برگرفته از

<http://moraatnazir.mihanblog.com>

۲. موضوعی را انتخاب کنید و درباره آن متنی عینی و یا ذهنی بنویسید.

موضوع:

A large rounded rectangular box with a green border, containing horizontal dotted lines for writing.

۳. متن‌های دوستانتان را بر اساس معیارهای زیر ارزیابی کنید.

ردیف	معیار ارزیابی	عالی	خوب	متوسط	کمتر از حد انتظار
۱	تولید متن با نگاه عینی یا ذهنی				
۲	پرهیز از نوشتن جمله‌های طولانی				
۳	داشتن پیش‌نویس و پاک‌نویس				
۴	رعایت املا و نکات نگارشی				
۵	شیوه خواندن				

هنجار نوشتار (۲)

گزینش واژه در زیبایی نوشته و انتقال معنا نقش بسزایی دارد. برای درک این اهمیت نوشته زیر را بخوانید و دقت کنید گزینش چه واژه‌ای نامناسب بوده است.

(۱) «باران در شب‌های زندگی هیجان را به من هدیه می‌کند. استرسی که در زمان ریزش قطرات

باران بر زمین به من وارد می‌شود، بسیار زیباست.»

احتمالاً دریافتید که انتخاب واژه "استرس" در این متن صحیح نیست. واژه "استرس" بار

معنایی منفی دارد و نمی‌تواند زیبا باشد. نویسنده می‌توانست با گزینش واژه "احساسی" به جای

کلمه "استرسی" به درستی منظور خود را بیان کند. به علاوه کنار هم آمدن "بر زمین" و "به من"

از زیبایی نوشته می‌کاهد. نوشته (۱) را می‌توان به صورت نوشته (۲) یا (۳) بازنویسی کرد.

(۲) «باران در شب‌های زندگی هیجان را به من هدیه می‌کند. احساسی که زمان ریزش قطرات

باران به من دست می‌دهد، بسیار زیباست.»

(۳) «باران همواره به من هیجان می‌بخشد. حال و هوایی که زمان ریزش قطرات باران دارم، بسیار

زیباست.»